

یاد آوری ضروری: افکار و نگارش این قلم انفرادی و منحصر بفرد است ولی اجابت آن اختیاریست

چگونگی مشروعیت نظام سیاسی

عناصر مکونه و سند حقوقی (قانون اساسی یا پاکیزه پیمان آن)

قسمت دوم و اخیر

مسئولیت و پاسخگوبودن در برابر قانون اساسی - چه وقت ایجاد (مسئول و پاسخگو کیست) و

تفاوت بین مسئولیت و پاسخگوبودن کدام است؟:

من در قسمت اول این نگارش در ارتباط به چگونگی مشروعیت نظام سیاسی و هسته و ماهیت نظام یعنی قانون اساسی که بعد از تکمیل مقدمات، تسوید، تدقیق و توشیح مرحله اجرائات بعدی اجرائی آن شروع میشود در پرنسیپ بطور عام به اندازه توان نوشتم و اکنون میخواهم مراحل بعدی را که بعد از پخته شدن مراحل ابتدائی مرحله دوم آن آغاز و این سند معتبر حقوقی جهت رؤیت و دید مردم عام (مجموع شهروندان کشور و جهان) طور علنی بمیان گذاشته میشود که اینک آنچه بتوانم آن را بگونه متناوب ارائه میدارم راستی آزمایی از حاکمیت قانون و یا عدم حاکمیت احکام آن:

توشیح قانون اساسی:

(دقیق باید بود که اشتباه ذهنی بوجود نیاید زیرا درین مرحله کار بُرد و استفاده از قانون و تطبیق آن مطرح بوده و قبلن طرح، تسوید، تدقیق، تسجیل، تصویب و امثال آن موافق به ایجابات و ایجاد یک قانون اساسی مطرح بود که کار آن بسر رسیده و کار برد آن در شرف آغاز باشد - بدین معنی کنون:

قانون اساسی بعد از توشیح و اجرائاتیکه لازم دیده شود بفرمان شخص اول کشور توشیح و نافذ می گردد، این دوره قانون اساسی را می توانیم بنام بهار و یادوره شروع کار و تطبیق داشته ها و یا محتوای این سند حقوقی برای سرنوشت باشندگان و یا شهروندان یک کشور یاد نماییم - که دیده میشود چگونه از آن استفاده بعمل می آید و اگر تطبیق آن آغاز میشود آیا در وضع و حال کشور و مردم تغییرات مقدماتی به چی سان بمیان می آید و همانطوریکه قبلن نوشتم بهار خوب آن احساس سال خوب را بما نوید می دهد و یا از کوزه و جعبه چیزی را که توقع داشتیم همان بیرون می جَهد و تَقَال استمزاج از آب درست بدر می آید: بهمه حال این جعبه سفید و یا سیاه هر چه دارد بر رُخ مانمایان میشود.

ببینید در رؤیت قانون اساسی دو احتمال وجود دارد:

۱ - اگر قانون متذکره روبینائی نمیشود دلیل آن است که در تسوید و تسجیل آن ترفندها بکار برده شده و قدرت حاکم آن را برای دوام استکبار و یا اهداف دیگری جهت اغوای مردم رو پوش ساخته اند که در دوام این نوشته آن را بگونه اختصار میخوانید:

۲ - رؤیت قانون اساسی که همان اقدام بر شروع تطبیق و کار و حاکمیت آن می باشد که قبلن بسیار مؤجز و مختصر در باره آن نوشتیم و شما آن را مرور فرموده اید.

دقت کنیم: اگر قانون با اهداف نیکو برای تطبیق آماده گردیده و حاکمیت آن محسوس شود در آن صورت مراتبی از خوب و بد تطبیق را با خود داشته که از این تطبیق و عمل ما آن را درک و بر داشت می کنیم که در این صورت می تواند صادقانه باشد و یا مُزورانه برای خاکپاشی به دیده و چشم جامعه و مردم:

ترفند و فریب در کار بُرد و عدم استفاده مطلق قانون اساسی:

در جمله اثرات قرار داد اجتماعی و تبادلۀ سند اساسی و حقوقی بین دولت و مردم همان (قانون اساسی) که جعبه سفید و یا سیاه را بخود نهان دارد که تذکر و نامُردن این جعبه سیاه و سفید به تعبیر این قلم - هُمانیست که اگر سیاه است اساسش به ترفند و فریب است و اگر سفید باشد فقط هدف عدالت و رفاه مردم است.

تخلف در تعهد، مندرج در سندیکه ملی و حقوقی بوده و کلان ترین سند معتبر در یک مملکت باشعاع وسیع و اختیار بزرگ ناشی از اراده ملت است به همان پیمانۀ مسئولیت بزرگی بر متعهدین آن که این تعهد و پیمان را بسته اند نیز دارد که تقریبین بطور عمده اگر خلاف ورزی دارد در شکستن و عده به ضرر مردم و جامعه و مردم و جامعه بوده می تواند.

پس مبتنی بر مطالب تذکر یافته پیمان متعده که در حقیقت ابرام یک معاهده حقوقی است عدم رعایت و یا عدم اجرای احکام همان قانون اساسی خوانده می شود که در حقیقت عدم وفا به عهد و قرار توثیق شده بین دولت و ملت است نادیده گرفتن و عدم تطبیق و توقیف آن به دو نوع می تواند ظهور نماید:

اول - ۱ - عدم رعایت قانون اساسی بطور کُل و نادیده انگاشتن آن که اشدّ عهد شکنی

عمدی را تبارز داده و صداقت تعهد و پیمان ملی را زیر سوال می برد در حقیقت بازی خطرناک در قبال اعتبار و اعتماد مردم و ملت است و مزید بر آن مسئولیت در برابر همان قرار داد اجتماعی را مطرح می سازد که قرار داد بر مبنای موافقه و رضائیت «جانبین عقد» اساس قرار می گیرد و بر همین بنیاد عدم اجرای این عقد واجب الاجرا بطور عملی عقد را خدشه دار و یا نابود می گرداند و تخلف از آن علاوه بر مسئولیت عظیم یاد شده پاسخگو بودن را نیز در قبال دارد که این مسئولیت می تواند مسئولیت حقوقی و یا کیفری یعنی جزائی باشد که هر دو نوع مسئولیت جبران طلب است:

جای دارد ذکر کنم که، عدم اجرا و نادیده گرفتن مکمل قانون اساسی در

یک کشور و یا یک جغرافیا که عدم تطبیق آن عمدی و مشهود باشد

تصنعی بودن همان پیمان و سند حقوقی را تداعی می نماید که شعاع

کاذبی در اجتماع بار آورده و گمان تقریبی را به سرحد باور و یقین می

برد که همه رویکرد ها طور فریبکارانه برای بقاء قدرت و یا اهداف
خیانتز برای دیگران سازمان یافته است. که حاوی ارتکاب جرم و
جنایت و مسئولیت نا بخشودنی می باشد.

(این بحث بسیار بزرگ است و در این نبشته گنجایش ندارد)

اول - ۲: استفاده از قانون اساسی هنگام ضرورت به نفع قدرت:
همانطوریکه تذکر رفت زمانیکه استفاده از قانون برای ضرورت کار آمد داشته باشد و
موجودیت آن بر رُخ مردم کشیده شود آنگاه بگونه تبلیغ و وسیله ساختن آن هیاهو بر پا و به
آن افتخار و مباحثات میگردد و یا چندانصل از آن قرائت و خوانده میشود.

اول - ۳: استفاده از احکام بعضی مواد قانون بنفع قدرت:
زمانیکه استفاده از بسا مواد احکام قانون به نفع قدرت حاکم کار آمد داشته باشد آنگاه از
حجره رسانه های دولتی بطور گسترده فقط حاکمیت قانون بلند و در نتیجه همان احکامی
طرف استفاده قرار می گیرد که مطلوب باشد.

اول - ۴: نقض احکام قانون و یا عدم تطبیق بسا احکام به نفع حاکمیت:
این نقض دو نوع کاربرد دارد:

الف: نقض عمدی:

نقض احکام قانون اساسی با فهم و آگاهی قبلی: که می تواند به نفع قدرت
و حاکمیت تعمیم شود که این کارکرد و عمل را نقض عمدی می خوانند.

ب: اشتباه در تطبیق

اشتباه در تطبیق و یا استناد به احکام قانون اساسی و یا قوانین دیگر در ماهیت خویش قصد
را شامل نبوده و کاربرد اشتباه فکری را می رساند که در راه تطبیق سلامت قانون ایجاد
میشود و این رویکرد ها بطور عموم در جریان اجرائات قضائی و فیصله های محاکم و یا
مراجع با صلاحیت دیگر بوقوع می پیوندد.

دوم: پاسخگو بودن در مقابل کاربرد احکام قانون اساسی:

طبعن کسانی که در ایزای اعمال و کارکرد های خلاف در برابر عقد انجام شده و نظام
حقوقی و کیفری ای که زاده همین عقد شمرده میشود - خود ها را بارضائیت کامل با عقد
و موافقه مسئولیت پذیر ساخته اند در صورت نادیده انگاشتن و نقض آن متناسب به تخلف
در برابر همان عقد و پیمان در برابر خویش مسئولیت ایجاد و در پی آمد آن پاسخگو
و جوابگو نیز ساخته اند، این مسئولیت و پاسخگویی که در حقیقت یکی از شیوه و خصلت
عدالت و عدالت پسندانه بوده و بویژه در أسلوب عقود حقوقی و اسناد ثابته اثبات جرم که
هر دو در برگیرنده تأثیرات عقد و مکلفیت ها و واجبات قبول شده که ریشه در رضائیت
جانین عقود داشته و در موضوعات کیفری این پروسه زیاده تراستوار بر موجودیت اسناد

اثبات و بالخاصه اقرار و اعتراف که استوار به رضا و شرایط پذیرفته شده در مورد اقرار مسجل در قوانین است صورت گرفته می تواند.

پاسخگو بودن مسئولین که در متن و محتوای قانون اساسی چنانیکه تشریح شد از جمله خصالت های عمیق عدالت بوده و همین سند حقوقی ملی یعنی قانون اساسی است که سرنوشت چگونگی زیست با همی جامعه و شهروندان را تعیین و مسئول و پاسخگو بودن را معین می سازد که عادلانه و عدالت گستر است.

مسئولیت هابه تناسب شدت و خفت از دیدگاه قانون اساسی:

عدم پابندی و یا حرمت گذاری به قانون اساسی (تحریمیکه قدرت و یا حاکمیت اعمال می نماید) بعد از تسوید، تسجیل و تنفیذ و یا بهتر بگوییم کتمان و زندانی ساختن آن از رده پایین تابالا ترین اشکال آن که زیاده ترین آن به یدّ و اختیار قدرت حاکم می باشد - و سبک و سنگین آن نیز مربوط به ظهور عمل و رویکرد های آمیخته با اهداف و انگیزه عملی عاملین آن بوده می تواند.

- سنگین ترین رویکردیکه در یک جامعه به ارتباط تسوید و تسجیل و در نهایت نفاذ ظاهری قانون اساسی می تواند بوجود آید - همانا صرف موجودیت فیزیکی و شکلیات آن سند ملی بوده که با وجود موجودیت هرگز طرف استفاده قرار نمیگیرد فقط وجود قانون اساسی را در ساحة نفوذ تداعی می کند و ذات این سند حقوقی مبادله شده بین دولت و ملت ظاهرن مکتوم و معدوم جلوه می نماید و هرگز به ساحة تطبیق ظاهر نمیشود - در اینصورت گمان اغلب به یقین آن است که همه ظواهر ایجاد قانون اساسی یک ترندوفریب از جانب قدرت بر سر استقدار بمنظور تداوم قدرت و کسب منافع شخصی بوده است که بگونه حیل و نیرنگ و فریب مردم راه اندازی و سازماندهی می شود.

تفاوت بین مسئولیت و پاسخگو بودن:

زمانیکه بارضائیت و موافقه کامل بدون جبر و اکراه عقدی ایجاد و توثیق میشود و در آن تعهد برکردن و نکردن امری انجام می گردد این خود قبول مسئولیت بوده ولی تا زمانی این تعهد بحالت مسئولیت باقیست که شامل عمل نگردد چون اجرای عمل تخلف را آشکار می سازد و چگونگی کاربرد تخلف از احکام قانون در عمل از امر و نهی قانون بوجود می آید اینجاست که پاسخگو بودن مطرح میگردد و عامل عمل پاسخگو پنداشته میشود: ببینید: اگر یک جانب عقد تعهد سپرده است که کاری را انجام می دهد و یا نمی دهد به کردن و یا نکردن آن در عملکرد خود پاسخگو است و پاداش خوب و بد عمل خود را باید ببیند

می بینیم پاسخگو بودن مرحله عمل بر مسئولیت تعهد شده می باشد. نکته خیلی حساس و اساسیکه بایست توجه داشت همانا تعهد بر مکلف بودن یا حتمی بودن را می رساند بگونه مثال در قانون اساسی سابق تذکر رفته است که « دولت مکلف است این کار هارا انجام دهد و یا ندهد» اینجا دولت در تعهد خود همان مسئولیت (مکلفیت) را پذیرفته اند و اکنون در کردن و نکردن آن طبعن پاسخگو می باشد.

مؤجز و یا فشرده از دوبخش نوشته این قلم

بایک تصویر کاملن خوشبینانه زمانیکه بپذیریم یک جغرافیای معین دارای یک نظام سیاسی مشروع و مردمی است - این نظام بطور حتمی دارای یک قانون اساسی به صفت قلب تپنده و کارا نیز می باشد این سند(همان سند حقوقی رسمی که متضمن عدالت اجتماعی و رفاه زندگی مردم و در عین زمان متضمن ایجاد تمام حقوق و وجایب نیز می باشد): البته در این راستا مکلفیت دولت و مردم روشن ساخته میشود که مسئولیت در قبال قانون اساسی چگونه ایجاد و پاسخگو در زمینه کی هاستند.

در این صورت: تطبیق و حاکمیت قانون اساسی با همان خصوصیات و کوائف صادقانه ای که به نفع جامعه و مردم است حتمی و حیاتی پنداشته میشود تا با رعایت آزادی های مشروع فردی و آزادی های قانونی اجتماعی و مجموع حقوق مردم مندرج در سند برای همه شهروندان بسنده و مفید واقع شود و چنین سند رسمی و حقوقی هیچگاهی نمی تواند قابل اعتماد باشد مگر اینکه به اراده و خواست مردم ایجاد شود و به عمل پیاده گردد زیرا اراده مردم ریشه و اساس در مشروعیت نظام سیاسی و سند معرف آن یعنی قانون اساسی دارد.

والیته مفهوم مخالف آنچه در متن عمومی آمد همان بدبختی و در نتیجه همان بربریت و قانون جنگل خواهد بود. با حرمت سخی صمیم.